



Termination of the Contract and Its Application in Jurisprudence, Iranian and French Law

Mahdad Houshmand¹, Alireza Hasani^{2*}, Amir Khajezadeh³

1. PhD Student, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Assistant Professor, Law Department, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 35-50

Article history:

Received: 22 Des 2023

Edition: 8 Mar 2024

Accepted: 27 May 2024

Published online: 21 Oct 2024

Keywords:

termination, contract, violation, non-performance, obligation.

Corresponding Author:

Alireza Hosni

Address:

Iran, Damghan, Islamic Azad University, Damghan Branch, Law Department.

Orchid Code:

Tel:

Email:

alirezahasani332@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The purpose of this article is contract termination and its application in Iranian and French jurisprudence. In fact, the purpose of the article is to examine the commonalities and differences between contract termination and its application in Iranian and French law.

Materials and Methods: The research method is comparative and the method of collecting information is library. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings of the article show that, unlike French law, Iran's law is silent on the right of early termination due to non-fulfillment of the main contractual obligation and does not include general rules in this case, while paying attention to certain issues. Among the complexity of the issue of identifying and analyzing the responsibility of the parties and its positive and negative consequences at the time of negotiation, conclusion, execution and settlement, it is among the most important matters of concern in the laws of the two countries.

Conclusion: The results of the article show that in Iran's legal doctrine regarding the termination of the contract by one of the parties, a group justified the termination of the contract on the assumption of breach by one of the parties, while the other group justified the need to recognize the right of termination as They have emphasized a general rule regarding breach of obligation in all contracts.

Cite this article as:

Houshmand M, Hasani AR, Khajezadeh A. Termination of the Contract and Its Application in Jurisprudence, Iranian and French Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



فسخ قرارداد و نحوه اعمال آن در فقه، حقوق ایران و فرانسه

مهرداد هوشمند^۱، علیرضا حسنی^{۲*}، امیر خواجهزاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۵-۵۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

واژگان کلیدی:

فسخ، قرارداد، نقض، عدم اجرا، تعهد.

نویسنده مسئول:

علیرضا حسنی

آدرس پستی:

ایران، دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، گروه حقوق.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

alirezahasani332@gmail.com

زمینه و هدف:

هدف مقاله حاضر فسخ قرارداد و نحوه اعمال آن در فقه، حقوق ایران و فرانسه است. در واقع هدف مقاله بررسی نقاط اشتراک و افتراق بین فسخ قرارداد و نحوه اعمال آن در حقوق ایران و فرانسه است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق، مقایسه‌ای و شیوه گردآوری اطلاعات کتاب‌خانه‌ای است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که بر خلاف حقوق فرانسه، قانون ایران در خصوص حق فسخ ابتدایی ناشی از عدم اجرای تعهد اصلی قراردادی ساکت بوده و در این مورد قواعدی عام را در خود جای نداده است. درحالی‌که توجه به مسائلی از جمله پیچیدگی موضوع شناسایی و تحلیل مسئولیت طرفین و تبعات مثبت و منفی آن در زمان مذاکره، انعقاد، اجرا و تسویه از جمله مهم‌ترین موارد مورد توجه در قوانین دو کشور است.

نتیجه: نتایج مقاله نشان می‌دهد که در دکترین حقوقی ایران در خصوص فسخ قرارداد توسط یکی از طرفین گروهی فسخ قرارداد در فرض نقض آن از سوی یکی از طرفین قرارداد را توجیه نموده است. درحالی‌که گروه دیگر بر ضرورت شناسایی حق فسخ به عنوان قاعده‌ای عام نسبت به نقض تعهد در تمامی قراردادهای تأکید نموده‌اند.

۱. مقدمه

می‌تواند در صورت حدوث نقض مهم قرارداد از سوی یک طرف، قرارداد را فسخ نماید. ماده ۱۲۲۴ جدید با الهام از حقوق قراردادهای اروپا مقرر می‌دارد که فسخ یا از اعمال یک شرط فاسخ حاصل می‌شود یا در فرض عدم اجرایی که از اهمیت کافی برخوردار باشد از طریق اخطار متعهدله به متعهد یا از طریق یک تصمیم قضایی. بنابراین از این پس حتی بدون وجود شرط فاسخ در قرارداد، هر یک از طرفین می‌تواند در صورت عدم ایفای تعهد از سوی طرف مقابل، به صورت یک جانبه به قرارداد پایان دهد و هدف از این مقرر نیز این است که متعهدله بتواند بدون اینکه منتظر مداخله قاضی بماند، از قراردادی که به درستی اجرا نگردیده است خارج شود (نوری یوشانلوئی و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۷۹).

آنچه نوآوری و ضرورت مقاله را نشان می‌دهد این است که تحولات و دیدگاه‌های کشورهای مختلف در خصوص فسخ قرارداد، به روشنی مبین آن است که قواعد حقوقی، همگام با ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی دچار تغییر دائمی بوده است. در این راه هر گونه توقف و اصرار بر ثابت نگه داشتن مقررات گذشته (با وصف ناکارآمدی)، فایده‌ای جز عقب ماندن قانون از تحولات زمانه و متروک گشتن آن به همراه ندارد. فقدان مقررات روزآمد در خصوص امکان فسخ قرارداد و چگونگی اعمال آن در قانون مدنی ما کاملاً مشهود و ملموس است، از طرفی تبیین موضوع بحث و تطبیق آن با سیستم حقوقی کشور فرانسه و راه حل‌های به دست آمده از این مجرا، می‌تواند کمک شایانی به متریقی کردن مقرر قانونی ما و اصلاح آن نماید و در واقع به نوعی معضلات اجرای مقرر قانونی

در قراردادهای درازمدت، بنای شخصی متعاملین یا بنای عرف و عادت قراردادی، بر دوام اوضاع و احوال زمان تراضی و حفظ تعادل قراردادی تا پایان اجرای تعهد است و طرفین، قرارداد را بر مبنای بقای وضع موجود و متعادل ماندن دو عوض، منعقد می‌کنند و خود را بر همین مبنای مقید به اجرای قرارداد می‌دانند. به تعبیر دیگر، در عقود و معاملات معوض، این شرط ضمنی یا بنایی وجود دارد که اعتبار معامله مقید به حفظ موازنه اقتصادی عقد است و در صورت برهم خوردن این موازنه قدرت الزام آور عقد نیز از بین می‌رود (سهرابی، ۱۴۰۰، ۹). در چنین شرایطی قانون‌گذار توجه ویژه‌ای به بحث «فسخ» قرارداد نموده است. از این رو می‌توان فسخ را به معنای پایان دادن به هستی حقوقی قرارداد به وسیله یکی از طرفین یا شخص ثالث تعریف کرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۲، ۱۴۲). در حقوق ایران ابتدا اصل بر لزوم اجرای قراردادها می‌باشد؛ مگر در شرایط استثنایی. آنجا که در ماده ۲۱۹ ق.م. اشعار می‌دارد: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده بین متعاملین و قائم مقام قانونی آن‌ها لازم‌الاتباع است؛ مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود». مسئله فسخ قرارداد نیز در حقوق فرانسه چه قبل از اصلاحیه ۲۰۱۶ و چه بعد از اصلاحیه بازتاب یافته است. آنجا که در اصلاحیه از سه طریق برای وقوع فسخ سخن نموده است یا از طریق اجرای شرط فاسخ یا ابلاغ اخطاریه یک جانبه‌ای که از سوی متعهدله ارسال می‌شود و یا از طریق تصمیم دادگاه خواهد بود. علی‌رغم اینکه اصل لزوم قراردادها مانع از امکان زوال یک جانبه قرارداد از سوی یکی از طرفین است؛ اما رویه قضایی اصلی را پذیرفته که بر طبق آن یکی از طرفین

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که برخلاف حقوق فرانسه، قانون ایران در خصوص حق فسخ ابتدایی ناشی از عدم اجرای تعهد اصلی قراردادی ساکت است و در این مورد قاعده‌ای عام را در خود جای نداده است. در حالی که توجه به مسائلی از جمله پیچیدگی موضوع شناسایی و تحلیل مسئولیت طرفین و تبعات مثبت و منفی آن در زمان مذاکره، انعقاد، اجرا و تسویه از جمله مهم‌ترین موارد مورد توجه در قوانین دو کشور است.

۵. بحث

۵-۱. ماهیت فسخ قرارداد در حقوق ایران و فرانسه

در این قسمت به بررسی ماهیت فسخ قرارداد در حقوق ایران و فرانسه پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. ماهیت فسخ قرارداد در حقوق ایران

اصل لزوم قراردادهای یا اصاله اللزوم ناشی از اصل کلی-تری به نام اصل حاکمیت اراده می‌باشد که از اصول کلی و قواعد کاملاً شناخته‌شده در حقوق خصوصی است (نهرینی، ۱۳۹۰، ۴). هر جا سخن از اصل باشد استثناً نیز در کنار آن وجود دارد. اصل لزوم قراردادهای نیز از این قاعده پیروی می‌کند. مطابق ماده ۲۱۹ ق.م در این زمینه که مقرر می‌دارد: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده بین متعاملین و قائم‌مقام قانونی آنها

فعلی که دست به گریبان مردم و هم‌چنین سیستم قضایی ما شده است مرتفع گردد. لذا توجه به این موضوع از دو جهت دارای نوآوری می‌باشد. اولاً، مشخص نمودن ضعف‌های حقوقی در حوزی فسخ قرارداد و خاصه چگونگی اعمال آن می‌تواند بسیار مهم و توأم با نوآوری باشد. چراکه با توجه به عصر جهانی شدن و تنوع در قوانین قراردادها عمدتاً دچار تغییر و تعدیل و در نهایت فسخ خواهند شد. ثانیاً، با پرداختن به چالش‌های فوق و روشن نمودن زوایای ابهام‌آمیز، زمینه برای برطرف نمودن ضعف‌های قانون‌گذاری فراهم شده و با بهره‌گیری از قوانین دیگر کشورها از جمله فرانسه می‌توان راهکار حقوقی مناسب در این زمینه را ارائه داد. سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است که فسخ قرارداد و نحوه اعمال آن در فقه، حقوق ایران و فرانسه چگونه است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه «در حقوق دو کشور، نسبت به شناسایی و تحلیل مسئولیت طرفین و تبعات مثبت و منفی آن در زمان مذاکره، انعقاد، اجرا و تسویه از مواردی است که در حقوق دو کشور مورد توجه قرار گرفته است. به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا ماهیت فسخ قرارداد در حقوق ایران و فرانسه بررسی شده و در ادامه از شرایط عمومی فسخ قرارداد در حقوق ایران و فرانسه بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

روش تحقیق، مقایسه‌ای و شیوه گردآوری اطلاعات، کتاب‌خانه‌ای است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

عین حال از موازین قراردادی تخلف نموده باشد؛ می‌تواند این امکان را از دادگاه تحصیل کند که تعهدات خویش را تکمیل نماید و از فسخ شدن قراردادی که مقدمات اجرای آن فراهم آورده است جلوگیری کند (سمیع‌زاده، ۱۳۹۸، ۷) با استناد به مواد ۱۱۸۴ و ۱۶۱۰ قانون مدنی این کشور مرجع احراز و اجازه اعمال حق فسخ یا ابقای قراردادند و سعی می‌کنند با برقراری تعادل بین حقوق طرفین و جلوگیری از سوء استفاده متعهد از لزوم قرارداد از یک طرف و سوء استفاده متعهدله در اعمال حق فسخ از طرف دیگر، در صورت بقای مطلوبیت اجرای قرارداد ولو با مهلت اضافی به متعهد با حسن نیت، حکم به اجرای تعهدات بدهند و اگر دو شرط فوق وجود نداشته باشد از اعمال اجازه حق فسخ به متعهدله دریغ نمی‌کنند. در حقوق فرانسه نویسندگان آن نظام حقوقی معتقدند که فسخ، قرارداد را از ابتدا منحل می‌کند و این را از ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی در خصوص فسخ قضایی استنباط می‌کنند. آنان معتقدند که در صورت فسخ، خریدار باید مبیع و تمام منافع آن را و خریدار نیز باید ثمن و منافع آن را مسترد کند. این استنباط بدین معناست که فسخ عقد با بطلان آن تفاوتی ندارد. زیرا در هر دو مورد، عقد از زمان انعقاد منحل می‌شود (موریلو، ۲۰۰۱، ۸۹)

۵-۲. شرایط عمومی فسخ قرارداد در حقوق

ایران و فرانسه

عمدتاً فسخ قرارداد دارای شرایط ویژه و عام از جمله فسخ بر اساس توافق طرفین، فسخ به حکم قانون و نقض فرضی قرارداد است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

لازم‌الاتباع است مگر این که به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود». آنچه مطالعه ماده مذکور در ذهن تبادر می‌کند این است که مفاد عقود تنظیمی بین متعاقبین که طبق قانون واقع شده باشد باید اجرا شود و طرفین نمی‌توانند از زیر بار انجام تعهدات و تکالیف ناشی از آن خود را برهانند و منظور از لازم‌الاتباع بودن عقد، لازم‌الاجرا بودن مدلول و مفاد عقد است (شهیدی، ۱۳۸۱، ۲۵۹). اختیار فسخ قرارداد که از طریق قانون یا قرارداد به طرفین عقد داده می‌شود «خیار فسخ» نامیده می‌شود. مطابق ماده ۴۸ «شرایط عمومی پیمان» کارفرما بدون آنکه تقصیری متوجه پیمانکار باشد بنا به مصلحت خود یا علل دیگر می‌تواند به پیمان خاتمه دهد. هم‌چنین وفق ماده ۴۶ «شرایط عمومی پیمان» در موارد تخلف پیمانکار، حق فسخ پیمان به‌طور یک جانبه به کارفرما داده شده و این حق فسخ، از اسباب انحلال پیمان است.

۵-۱-۲. ماهیت فسخ قرارداد در حقوق فرانسه

در خصوص ماهیت فسخ در قوانین و محاکم فرانسه می‌توان بیان داشت که اصولاً موضع حقوق فرانسه در قراردادها آن است که حتی الامکان به اجرا درآیند و متعهدله نتواند به سهولت قرارداد را فسخ نماید؛ ولی در عین حال راه حل اخیر کاملاً مسدود نیست و اگر به‌لحاظ عملی، اخلاقی یا حقوقی اجرای قرارداد غیر ممکن باشد، امکان فسخ قرارداد وجود خواهد داشت. امکان اخلاقی مربوط به زمینه‌هایی است که از آزادی حمایت می‌شود و مثلاً اگر متعهدی که تخلف نموده است حسن نیت نداشته باشد، ممکن است طرف دیگر این حق را پیدا کند که قرارداد را فسخ نماید و در مقابل اگر متعهد با حسن نیت عمل کرده؛ ولی در

۵-۲-۱. در حقوق ایران

شرایط عمومی فسخ قرارداد در حقوق ایران عبارت است از:

۵-۲-۱-۱. توافق طرفین

مطابق ماده ۲۱۹ ق.م.د در این زمینه که مقرر می‌دارد: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده بین متعاملین و قائم‌مقام قانونی آن‌ها لازم‌الاتباع است؛ مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود». می‌توان بحث توافق طرفین را مشاهده کرد. از این رو می‌توان تحلیل نمود که طرفین قرارداد این امکان را دارند که در ضمن قرارداد و یا خارج از آن برای خود یا شخص ثالث، حق فسخ قرارداد در نظر بگیرند. برای مثال در معامله یک واحد آپارتمان شرط شود که هر یک از طرفین معامله مدت یک ماه از عقد قرارداد اگر تمایل داشته باشند معامله را فسخ نمایند که به استناد ماده ۳۹۹ که اشعار می‌دارد: «در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هر دو شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد» و ماده ۴۰۰ که بیان می‌کند: «اگر ابتدا مدت خیار ذکر نشده باشد ابتدا آن از تاریخ عقد محسوب است والا تابع قرارداد متعاملین است».

طبق ماده ۱۱۵۶ ق.م. ق.ضات برای تعیین آثار قرارداد در موارد تردید، به جای توجه به معنای لغوی عبارات، قصد احتمالی طرفین را تفسیر خواهند کرد. طرفین غالباً راجع به حالت‌های مختلف بروز اختلاف، فکر نکرده و صریحاً به آن‌ها در قرارداد نپرداخته‌اند. در برخی از این موارد دادگاه‌ها تلاش کرده‌اند محدوده مسئولیت عدم اجرای تعهدات را با استفاده از این ماده کاهش دهند. گرچه برخی نویسندگان فریب-

کاری را در تعیین قصدی برای طرفین که وجود ندارد تقبیح کرده‌اند و گفته‌اند که صادقانه‌تر، تفسیر قرارداد بر اساس حسن نیت یا عرف و عادت است.

۵-۲-۱-۲. به حکم مستقیم قانون

بر طبق ماده ۴۷۸ قانون مدنی: «هرگاه معلوم شود عین مستأجره در حال اجاره معیوب بوده مستأجر می‌تواند اجاره را فسخ کند یا به همان نحوی که بوده است اجاره را با تمام اجرت قبول کند؛ ولی اگر موجر رفع عیب کند به نحوی که به مستأجر ضرری نرسد مستأجر حق فسخ ندارد». ماده ۴۷۹ نیز مقرر می‌دارد: «عیبی که موجب فسخ اجاره می‌شود عیبی است که موجب نقصان منفعت یا صعوبت در انتفاع باشد». علاوه بر آن نیز قانون‌گذار ایران در ماده ۲۳۸ قانون تجارت به پیش‌بینی نقض تعهد توجه کرده است و این ماده مقرر می‌دارد: «اگر علیه کسی که براتی را قبول کرده؛ ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می‌تواند از قبول‌کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند». لکن ضمانت اجرای عدم معرفی ضامن و یا عدم تضمین پرداخت در این ماده ذکر نشده است. در هر صورت، اگر از رفتار طرفی مشخص شود که در آینده مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهد شد، طرف مقابل حق فسخ ندارد و باید اجبار طرف اول را از دادگاه بخواهد.

۵-۲-۲. شرایط عمومی فسخ قرارداد در حقوق**فرانسه**

شرایط عمومی فسخ قرارداد در حقوق فرانسه عبارت است از:

۵-۲-۲-۱. توافق طرفین در حقوق فرانسه

ماند. با این حال، این موضوع بدین شکل ادامه یافت و پایدارنماند تا اینکه گرایشی مدرن به وجود آمد و ادعای نظریه جدیدی داشت که قرارداد را در زمینه منابع ارادی تکمیل کند و اینکه بگوید اراده یک جانبه توانایی تنظیم آثار حقوقی را دارد که حاصل آن تا همین اواخر محدود به ضرورت توافق دو جانبه بود.

۵-۲-۲-۲. به حکم مستقیم قانون در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه با توجه به اصل قداست معاهدات و یا اصل لزوم، اصل بر این است که قاضی حق تعدیل قرارداد و یا حکم به عدم اجرای قرارداد را جز با اجازه صریح قانون ندارد. قاضی موظف است که برابر الفاظ قرارداد حکم نماید و ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه متضمن همین معنا است. این حکم در ماده ۱۱۴۲ قانون مدنی فرانسه شدیدتر شده و متخلف از انجام تعهد به پرداخت غرامت نیز محکوم می‌شود؛ مگر اینکه برابر ماده ۱۱۴۸ همان قانون به دلیل فورس-ماژور و یا حادثه غیر مترقبه باشد. امروزه این دو اصطلاح را به طور مترادف به کار می‌برند. این مسئله در اصلاحیه ۲۰۱۶ قانون فرانسه بازتاب پیدا کرده است. هرچند در این راستا قانون‌گذار فرانسوی در پایان ماده قدیمی معروف ۱۱۳۴ بر آن تصریح می‌کرد و می‌گفت: «توافق نامه‌هایی که به طور قانونی منعقد شده‌اند، برای کسی که آن‌ها را منعقد کرده است حکم قانون دارند و فقط با رضایت متقابل و یا به دلایلی که قانون اجازه می‌دهد می‌توان آن‌ها را لغو کرد، و بایستی با حسن نیت اجرا شود». علاوه بر مورد فوق، قانون‌گذار فرانسوی در مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۵، اصول دیگری را نیز گنجانده است که در حیطه احکام

در قانون فرانسه نیز این موضوع مطرح شده است. به عنوان مثال در ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی فرانسه قبل از اصلاح مقرر می‌دارد: «در صورتی که طرف دیگر التزام خود را زیر پا بگذارد و انجام ندهد، طرف اول نمی‌تواند به خودی خود عقد را فسخ کند؛ بلکه می‌تواند برای مطالبه انجام و الزام قهری در صورت امکان یا فسخ همراه با جبران خسارت به مراجع قضایی متوسل شود». علاوه بر آن نیز بر اساس قاعده ربوس که به تفسیر مربوط می‌شود، طرفین می‌پذیرند که به موجب قرارداد یک شرط ضمنی وجود دارد مبنی بر اینکه اگر شرایط غیر قابل پیش‌بینی‌ای اتفاق بیفتد که اجرای قرارداد را برای یکی از طرفین به شدت دشوار سازد، قرارداد الزام‌آور نخواهد بود. برای مثال، قضات مکانیزم تفسیر را در پرونده ذیل مربوط به اوضاع و احوال غیر منتظره، اعمال کرده‌اند: قبل از جنگ جهانی دوم، قرارداد کاری امضا شد که حاوی شرطی بود که به صلاحیت دادگاه روئن ارجاع می‌داد. جنگ، کشور را به دو بخش تقسیم کرد و متعاقباً در منطقه آزاد کشور قرار گرفتند. قاضی بر اساس مکانیزم تفسیر، شرط صلاحیت دادگاه روئن را که طرفین درج کرده بودند نادیده گرفت و حکم به صلاحیت دادگاه لیون داد (امینی و همکاران، ۱۳۹۹، ۴۰). در اصلاحیه ۲۰۱۶ قانون فرانسه کاملاً مشخص می‌شود که قانون‌گذار فرانسوی قداست قرارداد را در زمینه عمل ارادی کنار گذاشته و زمینه را برای اراده یک جانبه فراهم نمود است؛ زیرا رواج عمل به قانون مدنی فرانسه در ابتدای قرن نوزدهم در بسیاری از کشورهای جهان، بر مشخصات نظریه قرارداد تأثیر گذاشت و منبع ارادی آن را به توافق دو جانبه (دو اراده) محدود کرد، به طوری که قرارداد برای مدت زمان طولانی بعنوان تنها منبع عمل حقوقی باقی

صورت بدون تردید مشروط به حق خواهد داشت که معامله را فسخ کند. این خیار را فقها «خیار تخلف شرط» نامید و مستند فقهی این خیار متنوع است؛ از جمله قاعده تقابل تعهدات (که بر مبنای آن در تمام عقود که در آن طرفین در مقابل هم تعهدات متقابل را می‌پذیرند این شرط ضمن وجود دارد که عدم اجرای تعهد از سوی یک طرف، دیگری را نیز در عدول از قرارداد و فسخ آن مختار سازد. اما در مواردی که علی‌رغم توافق متعادل طرفین، به دلیل تخلف یکی از طرفین یا به هر دلیلی که باعث شود عوضی که باید از سوی وی تأدیه شود شرایط مورد توافق را نداشته یا در زمان مد نظر تسلیم نگردد، طرف دیگر حق خواهد داشت که از انجام تعهد خویش خودداری کند و در واقع عقد را یک جانبه فسخ نماید) (السان و همکاران، ۱۳۹۵، ۸۶). علاوه بر آن نیز می‌توان به قاعده لاضرر استناد نمود مبنی بر آنکه مبنای فسخ قرارداد، حاکمیت اراده و توافق صریح یا ضمنی، طرفین قرارداد نیست؛ بلکه در تمام انواع مختلف اختیارات، اجتناب از ضرر نامتعارف و غیر عادلانه به یکی از طرفین قرارداد یا حسب مورد (هر دو) است که به ایشان حق فسخ عقد را می‌دهد. بنابراین در خصوص اصل لزوم عقود و ضرورت التزام طرفین عقد به اجرای آن و تداخل آن با قاعده لاضرر، قاعده فوق تقدم و به اصطلاح حکومت دارد و برخی از فقها نیز مستند آن را پیوند میان شرط و عقد دانسته‌اند. به هر حال از دیدگاه برخی فقها و حقوق‌دانان وجود خیار مزبور در فرض عدم امکان اجبار، از مسلمات فقه است و جای تردیدی ندارد. فقط بحثی که در خصوص اعمال این خیار باقی می‌ماند، ترتیبی یا هم‌عرض بودن اجبار و حق مزبور است. بنابراین باید بر این اعتقاد بود که اولاً، تمام اختیارات با هر

و مفاد کلی نظریه قرارداد قرار می‌گیرند و نظریه قرارداد مقدم بر آنها است (یداللهی و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۳). چنانکه ماده ۱۱۰۳ بر ضرورت احترام به قراردادها به عنوان قانونی برای طرفین متعاهد در هر زمان که به‌طور قانونی تشکیل شده‌اند، تأکید می‌کند. این همان اصلی است که با متن بند اول ماده قدیمی ۱۱۳۴ مطابقت دارد و همچنین تکمیل اصلاحیه ۲۰۱۶ این ماده در تقسیم اثر قرارداد برای طرفین متعاهد در ماده ۱۱۹۳ تحت عنوان نیروی لازم الاجرای قراردادها است و بر عدم لغو قراردادها جز با رضایت متقابل یا به دلایل مجاز قانون تصریح کرده است که این با بند دوم ماده معروف و قدیمی ۱۱۳۴ مطابقت دارد.

۳-۵. نحوه اعمال حق فسخ در فقه و حقوق ایران

در بعضی از احکام شریعت اسلامی اصل آن است که فسخ عقد با اراده یک طرفه طلبکار صورت می‌گیرد و جز در مواردی که علت فسخ پنهان باشد، از طریق قضایی انجام نمی‌شود. این قاعده به این شکل است که در صورت تخلف مدیون، عقد فسخ نمی‌شود؛ بلکه در این حالت عقد به قوت خود باقی می‌ماند. اگر ثمن معامله بدهی (دین) باشد، از دیدگاه حنفیه و دیگران، فروشنده مجبور به تحویل مبیع می‌شود؛ سپس خریدار در صورت حضور داشتن مجبور به تسلیم ثمن می‌شود و اگر ثمن غایب یا دور باشد و یا در صورت عسر خریدار، فروشنده می‌تواند فسخ کند (احمد الزرقا، ۲۰۰۴، ۵۹۹). در خصوص فسخ و شرایط آن در فقه اسلامی می‌توان بیان داشت که هرگاه مشروط علیه از وفای به مفاد شرط استنکاف کند و اجبار وی توسط حاکم ممکن نباشد، در این

فسخ قرارداد امری استثنایی و خلاف قاعده است که باید احراز شود؛ وگرنه پشیمان از عقد نیز پای‌بند به آن باقی می‌ماند.

۴-۵. نحوه اعمال فسخ قرارداد در حقوق فرانسه

نحوه اعمال فسخ قرارداد در حقوق فرانسه در دو قسمت قبل و بعد از اصلاح قانون مدنی در سال ۲۰۱۷ بررسی می‌شود.

۴-۵-۱. قبل از اصلاح ۲۰۱۶ قانون مدنی

از مهم‌ترین اصول حقوقی تنظیم‌کننده قرارداد، اصل (عقد، حقوق طرفین متعاقد است) و اصل (نیروی الزام‌آور عقد) می‌باشند. به این معنی که مفاد مورد توافق طرفین عقد همان مفاد و شروطی است که بین آن‌ها حاکم و مورد توجه است. زیرا برگرفته از توافق دو اراده می‌باشد که اولی اراده موجب (پیشنهاددهنده) و دومی اراده قابل (پذیرنده) است و بعد از توافق آن‌ها با یکدیگر، عقدی ایجاد می‌شود که نشان‌دهنده اراده مشترک آن‌ها است و این باعث می‌شود که این مفاد و شروط که حاصل توافق ایجاب و قبول است، برای دو طرف رابطه قراردادی لازم‌الاجرا باشد و هیچ‌کس نتواند آن را نقض کند و بلکه باید بر سر انحلال این رابطه قراردادی و یا فسخ آن به‌صورت توافقی و با توجه به مسیری که اتخاذ می‌کند، توافق شود مصداق بارز این مسئله در ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی فرانسه قبل از اصلاح نمود پیدا کرده است. آنجا که مقرر می‌دارد: «در صورتی که طرف دیگر التزام خود را زیر پا بگذارد و انجام ندهد، طرف اول نمی‌تواند به خودی خود عقد را فسخ کند؛ بلکه می‌تواند برای مطالبه انجام و الزام

عنوان که باشند، بر مبنای قاعده لاضرر قابل توجیه می‌باشند. ثانیاً، ضرر ناروای ناشی از عقد باعث می‌شود که حکم لزوم برداشته شود و زیان‌دیده بتواند عقد را فسخ کند (السان و همکاران، ۱۳۹۵، ۸۷). در قانون مدنی ایران و در حیطه قراردادهای هرگاه یکی از طرفین، تعهد خود را انجام ندهد، مقررات عام و صریحی وجود ندارد که طرف دیگر بتواند با استناد به آن، قرارداد را فسخ کند و خود را از تعهدات قراردادی آزاد کند. البته، قانون‌گذار حق فسخ را در موارد مشخصی، به‌عنوان ضمانت اجرای تخلف از انجام تعهدات، مقرر داشته است. مثلاً در موارد خیار تأخیر ثمن، تخلف از شروط ضمن عقد، خیار تفلیس، عدم تسلیم عین مستأجره در اجاره و همچنین خودداری عامل از انجام زراعت در مزارعه، مقرر کرده که متعهدله بتواند قرارداد را فسخ کند. با بررسی مواد قانونی، نظریات فقهی و تحلیل تقابل تعهدات در عقود معوض نیز می‌توان به این قاعده عام دست یافت که چنانچه یکی از طرفین قرارداد تعهد خود را انجام ندهد، طرف دیگر بتواند قرارداد را فسخ کند. می‌توان بیان داشت که در حقوق ایران به هنگام نقض قرارداد و به‌عنوان راه حل اولیه امکان فسخ قرارداد پیش‌بینی نشده است و به نظر می‌رسد نویسندگان قانون مدنی زمانی که به تدوین ضمانت اجرای ناشی از تخلف در اجرای تعهدات مشغول بوده‌اند تلاش اولیه آن‌ها در این موضوع بوده است که در وهله اول اجرای تعهدات قراردادی صورت پذیرد. بنابراین از دیدگاه قانون مدنی الزام متعهد به انجام تعهد در اولویت قرار دارد. بنابراین اصل کلی در حقوق ایران این است که طرف متضرر بدو باید اجرای قرارداد را خواستار شود که این اصل کلی موافق روح ماده ۲۱۹ قانون مدنی یعنی اصل اصالت لزوم نیز می‌باشد. بنابراین امکان

دادگاه می‌تواند به مدیون حسب شرایط مهلتی اعطا کند».

۵-۴-۲. بعد از اصلاح ۲۰۱۶ قانون مدنی

بعد از اصلاحیه ۲۰۱۶ قانون فرانسه، قانون‌گذار، در صورت عدم اجرای تعهدات قراردادی طرف مقابل، نقش اراده یک طرفه را در فسخ قرارداد مطرح کرده است. این موضوع در الگوی فرانسوی در سال ۲۰۱۶، نه تنها به موضوع اصل اراده یک طرفه اکتفا نکرد؛ بلکه تا تغییر درک سنتی نسبت به نظریه قرارداد، تقسیمات و ارکان آن فراتر رفت. چنانکه این اصلاحیه شامل بیش از صد ماده و فصول متعدد به منظور همگامی با تحولات روی داده در رویه فقه حقوقی و کاربردهای قضایی بود (حسن قاسم، ۲۰۱۸، ۱۴).

متناسب با شرایط حاکم بر قوانین کشورهای مختلف می‌توان بیان داشت که از جمله آنچه در فرانسه اتفاق افتاد که در آن، قانون شماره ۱۳۱ مصوب سال ۲۰۱۶ به منظور اصلاح قانون مدنی فرانسه صادر شد. به طوری که بسیاری از نویسندگان، آن را انقلابی در زمینه قانون‌گذاری و فقه در قانون مدنی می‌دانستند. بنابراین می‌توان در راستای اصلاحات قانون فرانسه استدلال نمود که چهار نکته اصلی را که در قانون فرانسه (۲۳) اصلاح خواهند شد مشخص شده است مبنی بر اینکه اولین آن‌ها لغو دلیل (علت) به عنوان شرط صحت قرارداد است (ماده جدید ۱۱۲۸ قانون مدنی). دوم، لغو شرایط دلخواه در همه انواع قراردادها است (ماده جدید ۱۱۷۱ قانون مدنی). سوم، امکان انحلال یا اصلاح رابطه قراردادی بر اساس شرایط اضطراری است (ماده جدید ۱۱۹۵ قانون مدنی). چهارم، حق مطالبه اجرای التزام منوط به معیار معقول بودن است (ماده جدید ۱۲۲۱ قانون مدنی).

قهری در صورت امکان یا فسخ همراه با جبران خسارت به مراجع قضایی متوسل شود» (روضان الموسوی، ۲۰۱۸، ۸). بررسی این ماده گرچه نشان‌دهنده پذیرش شرط فسخ است، می‌توان استدلال نمود که در گذشته و تا قبل از انجام اصلاحات ۲۰۱۶، قانون مدنی فرانسه، فاقد نص کلی و صریح در خصوص امکان فسخ قرارداد مدت نامشخص توسط هر یک از طرفین بود. حتی اگر طرف مقابل از اجرای تعهدات خود تخلف نمی‌کرد، با وجود این، حقوق دانان و محاکم با استناد به یک اصل کلی، یعنی منع تعهدات همیشگی (مادام‌العمر) که از نظر شورای قانون اساسی فرانسه یک اصل اساسی محسوب می‌شود، این امر را مجاز می‌دانستند. این امر در زمینه‌های مختلفی به کار گرفته شد از جمله: عقود عاریه، قراردادهای توزیع، وعده قراردادی غیر مرتبط با مدتی که در طی آن قرارداد موعود باید منعقد شود و غیره... (لابارته، ۲۰۱۶، ۶۴۲). با توجه به موارد فوق، دیوان تجدید نظر فرانسه به یکی از طرفین قرارداد اجازه می‌داد تا قرارداد مدت نامشخص را بدون مراجعه به دستگاه قضایی فسخ کند. این دادگاه علی‌رغم عدم وجود نص کلی و مستقیم که این اجازه را به آن بدهد، با در نظر گرفتن اینکه «در صورت عدم وجود هرگونه نص قانونی خاص، هر یک از طرفین قرارداد مدت نامشخص {...} می‌تواند به طور یک طرفه قرارداد را فسخ کند و در صورت سوء استفاده از این حق، مسئولیت دارد»، این اجازه را می‌داد. در این راستا ماده ۱۱۸۴ اشعار می‌دارد که: «... در این مورد (عدم اجرای تعهد) قرارداد منحل نمی‌شود؛ بلکه طرفی که این تعهد در حق او اجرا نشده است، اختیار دارد که فسخ همراه با خسارت را مطالبه کند. فسخ باید با حکم قضایی صادر شود و

شرط فاسخ در قرارداد، هر یک از طرفین می‌تواند در صورت عدم ایفای تعهد از سوی طرف مقابل، به صورت یک جانبه به قرارداد پایان دهد و هدف از این مقرر نیز این است که متعهدله بتواند بدون اینکه منتظر مداخله قاضی بماند، از قراردادی که به درستی اجرا نگردیده است خارج شود (نوری‌یوشانلوئی و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۲۸). هم‌چنین ماده جدید ۱۱۸۶ مقرر می‌نماید در صورت از بین رفتن یکی از اجزای اساسی آن، ممکن است قراردادی که به‌طور معتبر تنظیم شده منسوخ شود. اگر انجام چندین قرارداد برای تحقق همان معامله ضروری باشد و یکی از این قراردادها ناقص باشد، تمام قراردادهایی که به همین دلیل انجام آن‌ها غیر ممکن شده است و همه قراردادهایی که انجام آن‌ها ناقص مانده است، شرط تعیین‌کننده رضایت یک طرف است که فسخ نامیده می‌شود. با این حال، این امر تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که طرف متعهدی که چنین قابلیت انفساخی را استناد می‌کند، هنگام موافقت با قراردادی که طرف آن است، از وجود کل معامله مطلع بوده است. در ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی آمده است که دادگاه می‌تواند در قرارداد تجدید نظر کند یا حتی در صورت تغییر شرایط پیش‌بینی نشده در زمان انعقاد قرارداد که اجرای آن را برای یک طرف آن که خطر عواقب این تغییر را نپذیرفته است بسیار سنگین می‌کند، پایانی برای آن در نظر بگیرد و آن را فسخ کند. برای مثال در این راستا می‌توان به دو ماده «۱۲۱۰ و ۱۲۱۱» اشاره نمود آنچه که ماده ۱۲۱۰ این اصلاحیه چنین مقرر می‌دارد: «تعهدات همیشگی (مادام‌العمر) ممنوع است و هر یک از طرفین حق دارند با رعایت شرایط ذکر شده برای قرارداد مدت نامشخص، آن را فسخ کنند و هم-

این در حالی است که برخلاف بسیاری از قوانین و هم‌چنین قوانین اداری فرانسه، حقوق خصوصی فرانسه هرگز به قاضی اجازه نمی‌دهد که بر اساس شرایط اضطراری قرارداد را فسخ یا تغییر دهد (اصلاح کند). در نگاه اول، این مشکل آنقدر هم که به نظر می‌رسد بزرگ نیست. زیرا عرف تجاری اقتضا می‌کند که طرفین قرارداد بتوانند در قرارداد خود چیزی را که به‌عنوان قوه قهریه شناخته می‌شود برای مقابله با اثرات تغییر شرایط درج کنند؛ اما در اصلاحات جدید، قانون‌گذار فرانسوی تمایل خود را برای کمک به طرف متضرر در صورت بروز بحران و سختی بر عوام مردم از طریق متن یا ماده خاصی که به این موضوع پرداخته است، ابراز داشت. از جمله احکام دادگاه تجدید نظر فرانسه، به حکم صادره آن در تاریخ ۸ فوریه سال ۲۰۱۷ نیز اشاره می‌کنیم که در آن چنین آورده بود: «قرارداد اجرایی متوالی که مهلت نداشته باشد باطل نیست؛ بلکه قراردادی است با مدت نامشخص و هر یک از طرفین آن می‌تواند به میل خود آن را فسخ کند، مشروط بر اینکه مهلت انداز (مهلت مقرر) منصفانه رعایت شود». شایان ذکر است که دیوان تجدید نظر در حکم خود هیچ نص قانونی برای توجیه امکان فسخ قرارداد مدت نامشخص به صورت یک‌طرفه را ذکر نکرده است. زیرا قوانین فرانسه فاقد آن بوده و حقوق‌دانان فرانسوی از رویکرد محاکم حمایت می‌کردند (پویگ، ۲۰۱۷، ۱۴۹). در همین راستا ماده ۱۲۲۴ جدید با الهام از حقوق قراردادهای اروپا مقرر می‌دارد که فسخ یا از اعمال یک شرط فاسخ حاصل می‌شود یا در فرض عدم اجرایی که از اهمیت کافی برخوردار باشد از طریق اخطار متعهدله به متعهد یا از طریق یک تصمیم قضایی. بنابراین از این پس حتی بدون وجود

نکرد و بلکه تا تغییر درک سنتی نسبت به نظریه قرارداد، تقسیمات و ارکان آن فراتر رفت. چنان که این اصلاحیه شامل بیش از صد ماده و فصول متعدد به منظور همگامی با تحولات روی داده در رویه فقه حقوقی و کاربردهای قضایی بود (حسن قاسم، ۲۰۱۸، ۱۴). علاوه بر آن نیز قوانین مدنی فرانسه وضعیت کنونی خود را که در آن قرار داشتند رها کرده و به فضای آزادی اراده یک طرفه در فسخ قرارداد بر اساس مندرجات ماده ۱۲۲۴ قانون مدنی فرانسه و بعد از اصلاحیه آنکه ذیلاً آمده است، حرکت کردند. فسخ قرارداد یا به موجب شرط (بند) فسخ کننده صورت می گیرد و یا در صورتی که اجرای قرارداد در پی اخطار طلبکار به بدهکار یا به موجب رأی قضایی از جدیت کافی برخوردار نبوده باشد (حمزه، ۲۰۱۶، ۱۶۸). در این راستا می توان به حکم صادر شده در رویه قضایی استناد نمود مبنی بر اینکه حکم صادره در سال ۲۰۱۶، ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی اصلاح شده فرانسه را اضافه کرد که اخیراً بر اساس ماده ۷- اول قانون شماره ۲۰۱۸/۲۸۷ مورخ ۲۰ آوریل ۲۰۱۸ اصلاح شده است. این ماده تأکید می کند که در قراردادهای کاری، چنانچه طرفین قبل از اجرای قرارداد بر سر ثمن توافق نکنند، طلبکار حق دارد به صورت یک- طرفه ثمن را تعیین کند. طلبکار باید در صورت بروز هر گونه اختلاف در مورد ثمن، تعیین آن را به طرف مقابل توجیه کند. اگر معلوم شود در تعیین ثمن سوء استفاده شده است، به منظور جبران خسارت وارده می توان به دادگاه مراجعه کرد و در صورت لزوم نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمود. لازم به ذکر است که رویکرد و شیوه فقه و حقوق قضایی در فرانسه بر اساس این ماده تنظیم و تدوین شده است و حقوق دانان مفاد این ماده را مورد تأیید قرار داده اند.

چنین ماده ۱۲۱۱ قانون مدنی اصلاح شده فرانسه، به هر یک از طرفین قرارداد مدت نامشخص اجازه می دهد که در هر زمان که بخواهند آن را فسخ کنند؛ مشروط بر اینکه مهلت انذار توافقی یا مهلت معقول در صورت عدم توافق بر سر مهلت انذار رعایت شود؛ حتی اگر طرف مقابل از اجرای تعهدات خود تخلف نکرده باشد. لازم به ذکر است که قواعد مندرج در این دو ماده به دلیل ارتباط با سیستم کلی (یا نظم عمومی)، الزام آور است و به همین دلیل توافق بر سر نقض یا کنار زدن حکم آن ها جایز نیست. پس متعاقباً (یا پیمانکاری) که بخواهد به صورت یک- طرفه قرارداد مدت نامشخص را فسخ کند، باید به مدت انذار (مهلت مقرر) مندرج در قرارداد توجه کند. اگر در قرارداد، مهلت انذار قید نشده باشد، در این صورت باید مهلت انذار معقولی در نظر گرفته شود. این نوآوری در قانون فرانسه هم از حقوق قراردادهای اروپایی و هم از پیش نویس چارچوب مرجع غیر مدون الهام گرفته شده است. در این راستا توجه به این نکته حائز اهمیت است که چون مراجعه فوری و بلافاصله به دادگاه دوازده دسترس است. طرفین ابتدا باید درباره بندهای قرارداد مجدد مذاکره کنند تا دادگاه بتواند پرونده را مورد بررسی قرار دهند. زیرا پرونده مورد بررسی قرار نمی گیرد؛ مگر اینکه طرف دیگر از مذاکره مجدد درباره بندهای قرارداد امتناع کند و یا اینکه مذاکرات به توافق نرسد. بنابراین متن جدید شامل الزام طرفین برای مذاکره مجدد است که در ماده ۶: ۱۱۱ حقوق قراردادهای اروپایی آمده است. از این رو در جمع بندی مقایسه فسخ قرارداد در قانون فرانسه قبل و بعد از اصلاحیه می توان بیان داشت که در قانون اصلاح قانون مدنی فرانسه در سال ۲۰۱۶، تنها به موضوع اصل اراده یک طرفه اکتفا

اختیار فسخ یک جانبه است (یدالهی و همکاران، ۱۳۹۴، ۹). در هر حال این نوآوری از منظر کارآمدی اقتصادی حقوق قابل تحلیل بوده و بر پایه این اندیشه استوار است که متعهدله (قربانی نقض قرارداد) به جای اینکه در انتظار روند دادرسی به سر برد و هزینه‌های مراجعه به دادگاه را بر دوش کشد، بتواند فوراً یا در مهلتی معقول قرارداد جدیدی با شخص ثالث منعقد نماید (خیری جبر و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۹). بنابراین در مقایسه فسخ قرارداد در حقوق ایران و فرانسه می‌توان بیان داشت که ملاک‌های صحت قرارداد که شامل موارد مقدور بودن و مشروع بودن و عدم مخالفت شرط با اخلاق حسنه می‌باشد در این دو نظام حقوق مدنی مشابه می‌باشد. هر چند تفکیکی که در قانون مدنی ایران در خصوص قراردادهای باطل و مبطل آن و قراردادهای باطل و غیر مبطل آن دیده می‌شود که آن نیز از متون فقهی اقتباس گردیده در حقوق خارجی به این ظرافت بیان نگردیده و تنها در قانون مدنی فرانسه در دو ماده متعارض آمده که بطلان قرارداد باطل به بطلان قرارداد اصلی منتهی می‌گردد و در ماده دیگر تنها بطلان قرارداد باطل تأثیری در آن ندارد.

۶. نتیجه

در فقه اسلامی و در در نزد برخی از فقها اصل در این است که فسخ قرارداد با اراده یک طرفه طلبکار صورت می‌گیرد و جز در مواردی که دلیل فسخ پنهان باشد از طریق قضایی انجام نمی‌شود. بنابراین در شریعت اسلامی منافاتی با اصل اراده یک طرفه برای فسخ قرارداد دیده نمی‌شود؛ اما در حقوق ایران چون اصل لزوم قراردادهای دارای حاکمیتی بلامنازعه هستند این موضوع سبب شده تا این اصل در طیفی

بنابراین در جمع‌بندی نهایی از بحث فسخ قرارداد در قانون مدنی فرانسه قبل و بعد از اصلاحیه می‌توان بیان داشت که قانون مدنی فرانسه، فسخ قرارداد مدت نامشخص (نامحدود و نامعین) را که به صورت یک طرفه از سوی یکی از طرفین قرارداد صورت می‌گیرد، جز در موارد استثنایی، تنظیم نکرده است. با این حال، قوه قضائیه فرانسه، اجازه فسخ قرارداد مدت نامشخص را که به هر دلیلی از سوی طرفین قرارداد صورت می‌گیرد به شرط رعایت مهلت انذار (اطلاع-رسانی مقرر) داده است. قانون‌گذار فرانسوی پس از اصلاح قانون در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸، به موجب نص (متن ماده) کلی، فسخ هر گونه قرارداد مدت نامشخص از سوی یکی از طرفین قرارداد، حتی اگر طرف دیگر از اجرای تعهدات خود تخلف نکرده باشد مجاز دانسته است؛ مشروط بر اینکه مهلت انذار مورد توافق، یا مهلت معقول در صورت عدم توافق در دوره انذار رعایت شده باشد. به عبارت دیگر می‌توان استدلال نمود که با اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه، در ماده ۱۲۲۶ جدید این قانون، امکان فسخ قرارداد بدون نیاز به مراجعه به دادگاه پیش‌بینی شده است و چنانچه متعهد در این خصوص اعتراضی داشته باشد می‌تواند به دادگاه مراجعه نماید. البته در این حالت متعهدله باید شدید بودن نقض تعهد را به اثبات رساند مسئله بسیار مهم در قانون جدید فرانسه این است که دیگر فسخ یک جانبه استثنایی بر فسخ قضایی نیست و دیگر نمی‌توان گفت فسخ به خاطر نقض تعهدات قرارداد فقط فسخ قضایی است. هر چند امکان مطالبه فسخ از دادگاه نیز بر اساس ماده ۱۲۲۷ جدید قانون مدنی فرانسه پیش‌بینی شده است. بنابراین اصلاحات جدید قانون فرانسه به تقویت اراده طرفین پرداخته است که یکی از مظاهر آن همین

نباشد؛ به‌ویژه آنکه اگر در عقد اذعان لحاظ شود. ثانیاً، با توجه به اینکه در اصلاحیه جدید قانون مدنی فرانسه، قانون‌گذار معنی «مهلت انذار معقول» مندرج در ماده ۱۲۱۱ را مشخص نکرده و موضوع را بدون تعیین هر گونه معیاری به قوه قضائیه واگذار کرده است. درحالی‌که اصول حقوق قراردادهای اروپایی چنین تصریح کرده که مهلت معقول به «مدت زمانی که قرارداد در طی آن اجرا شده و تلاش‌ها و هزینه‌هایی که متعاقد دیگر برای اجرای این قرارداد متحمل شده و مدت زمان مورد نیاز این متعاقد برای انعقاد قرارداد مشابهی با متعاقد دیگر بستگی دارد» که به نظر می‌رسد موضوعی درست و به‌جا است. از این رو پیشنهاد می‌شود تا هم قانون‌گذاران ایرانی و هم فرانسوی یک ماده حقوقی مشابه ماده مندرج در اصول حقوق قراردادهای اروپایی وضع کنند و معیارهایی را که دادگاه ملزم به پیروی از آنها برای تعیین مهلت معقول که عبارت است از «مدت زمان اجرای قرارداد و تلاش‌ها و هزینه‌هایی که متعاقد دیگر برای اجرای این قرارداد متحمل شده و مدت زمان مورد نیاز این متعاقد برای انعقاد قرارداد مشابهی با متعاقد دیگر» مشخص کنند.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان حاضر در تهیه این پژوهش مشارکت برابر داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

از تردید میان لزوم و جواز عقد، و وجود یا نبود حق فسخ در نوسان باشد که نتیجه آن، حکم بر فقدان حق فسخ است. یعنی اینکه در نظام حقوقی ایران در زمان نقض قرارداد و به‌عنوان راه حل اولیه امکانیت فسخ قرارداد پیش‌بینی نگردیده و در وهله اول اجرای تعهدات قراردادی مد نظر قانون‌گذار بوده است. در قانون مدنی فرانسه توجه به حق فسخ قرارداد در دو دوره زمانی قبل از انجام اصلاحیه و بعد از آن مد نظر قرار دارد قبل از اصلاح قانون فرانسه فاقد نص (متن و ماده) کلی صریحی در خصوص امکان فسخ هر گونه قرارداد مدت نامشخص به‌صورت یک‌طرفه از سوی هر یک از طرفین آن بود. با وجود این، حقوق‌دانان و محاکم بر اساس یک اصل کلی یعنی منع تعهدات همیشگی (مادام‌العمر) که یکی از اصول قانون اساسی است، این امر را مجاز دانسته‌اند. نتیجه‌گیری نهایی مقاله نشان می‌دهد که اولاً، نظام حقوقی فرانسه با تأکید بر اصلاحیه جدید، دامنه گسترده‌تری از قوانین در خصوص شرایط فسخ قراردادها را پیش‌بینی کرده است. ثانیاً، پرداخت جبران خسارت به متضرر در صورت فسخ قرارداد، یکی از موضوعات بسیار مهم در این زمینه است که در حقوق فسخ قراردادهای ایران کمتر بدان توجه شده است. از این رو پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد: اولاً، پیشنهاد می‌شود تا قانون‌گذار ایرانی، مشابه متن ماده ۱۲۱۱ اصلاحیه قانون مدنی فرانسه، یک نص (ماده) کلی حقوقی وضع کند که اجازه فسخ قرارداد مدت نامشخص را به صورت یک طرفه از سوی یکی از طرفین قرارداد بدهد؛ حتی اگر طرف مقابل از اجرای تعهدات خود تخلف نکند. البته با اصلاح آن از نظر مهلتی که قبل از فسخ باید رعایت شود تا مهلت معقولی به نظر برسد و با صرف نظر از مهلت توافقی که ممکن است معقول

منابع

فارسی

- نهرینی، فریدون، ماهیت و آثار فسخ قرارداد در حقوق ایران، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.

- نوری یوشانلوئی، جعفر؛ شاهین، «نوآوری‌های حقوق قراردادهای جدید فرانسه و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق خصوصی، شماره ۳۲، شماره ۲۴، ۱۳۹۶.

- یداللهی، انور؛ ناصری، مجتبی، «مقایسه فسخ قرارداد در حقوق ایران و فرانسه»، تهران، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق، ۱۳۹۴.

- یداللهی، انور و ناصری، مجتبی، «مقایسه فسخ قرارداد در حقوق ایران و فرانسه»، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق، ۱۳۹۴.

عربی

- احمد الزرقا، مصطفی، للمزید، المدخل الفقهي العام، جلد اول، الطبعة الثانية، دمشق، منشورات دار القلم، ۲۰۰۴.

- حسن قاسم، محمد، قانون العقود الفرنسي الجديد باللغة العربية المواد ۱۱۰ - ۱۲۳۱، الطبعة الأولى، دمشق، منشورات الحلبي الحقوقية عام، ۲۰۱۸.

- حمزة، بن خدة، «حدود قدرة التصرف الانفرادي في ترتيب الالتزام الإرادي، دراسة مقارنة بين الفقه الغربي والفقه الإسلامي والقانون المدني الجزائري»، مجلة دراسات قانونية وسياسية و كلية الحقوق ببومرداس، العدد الأول، ۲۰۱۶.

- روضان الموسوي، السالم، «فسخ العقد بالإرادة المنفردة في ضوء الاتجاهات القانونية الحديثة

- امینی، منصور و همکاران، «چگونگی مواجهه نظام حقوقی فرانسه با مسئله تغییر اوضاع و احوال»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق خصوصی، شماره ۳۲، ۱۳۹۹.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، عقد ضمان، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۵۲.

- خیری جبر و همکاران، «تیر تخلف از انجام تعهدات قراردادی در پیدایش حق فسخ (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و برخی نظام‌های حقوقی اسلامی و غربی)»، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۴، ۱۳۹۷.

- السان، مصطفی و همکاران، «مبانی فسخ قرارداد در فقه امامیه و حقوق ایران»، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۸، ۱۳۹۵.

- سمیع‌زاده، لیلا، تحلیل اقتصادی فسخ قرارداد و امکان دریافت خسارت تأخیر بررسی آن در نظام حقوقی ایران- فرانسه-انگلیس-آلمان و سوئیس، چاپ اول، تهران، نشر پایگاه خبری صبح ملت نیوز، ۱۳۹۸.

- سهرابی، حمید، «تعدیل وجه التزام قراردادی در حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق فرانسه»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ۱۴۰۰.

- شهیدی، مهدی، اصول قراردادهای و تعهدات، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۱.

(القانون المدنى الفرنسى)»، مجله الحوار المتمدن،
العدد ۵۸۳۸، ۲۰۱۸.

لاتین

- Labarthe, F, "La fixation unilatérale du prix dans les contrats cadre et prestations de services", Journal of interrogatifs sur les articles Code civil, No. 23, 2016.
- Puig, P, Le contrat d'entreprise in L Andreu et M. Mignot Les contrats spéciaux et la réforme du droit des obligations, First Edition, Varenne, publication Institut Universitaire Varenne, 2017.
- Murillo , Maria Luisa ; " The Evolution of codification in The Civil Law legal Systems Towards Decodification and Recodification" , Journal of Transnational Law and policy ,2001.